

تحلیل جزایی و کیفری تعلیق اجرای مجازات در قوانین کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۲۸، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۲۹)

مهدی عبدی

پژوهشگر برگزیده و دارنده تندیس پژوهشگر برتر کشور از موسسه قانون یار (سال ۱۴۰۲)

چکیده

تعلیق مجازات یعنی مجازات مجرم به طور موقت و در مدت زمانی مشخص اجرا نشود. تعلیق مجازات در مورد محکوم علیه با شرایط خاصی است و در این خصوص به همین دلیل، دادگاهی که حکم صادر می کند اجرایی کردن مجازات مذکور در دادنامه را بنا بر شرایطی که در پرونده موجود است و به جهت اصلاح و تربیت مجرم، به تاخیر می اندازد. معلق کردن مجازات فرصتی است برای اصلاح رفتار و تربیت محکومین، که در صورت رعایت شرایط تعیین شده، مجازات معلق خواهد ماند و به محکوم فرصت می دهد تا زندگی خود را اصلاح کند. پس از اجرای مجازات به طور کامل، تعلیق مجازات لغو می شود و محکوم می بایست مجازات خود را تماماً اجرا کند. باید توجه داشت در تعلیق مجازات، مجرم تنها از جنبه عمومی مجازات رهایی می یابد، اما جنبه خصوصی مجازات پابرجاست و حکم به پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می شود. در این مقاله قصد داریم به تحلیل جزایی و کیفری تعلیق اجرای مجازات در قوانین کیفری ایران بپردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش است.

واژگان کلیدی: تعلیق مجازات، مجرم، تخفیف مجازات، معلق کردن مجازات، قانون

مجازات اسلامی، جرم

بخش اول: بررسی و شناخت مجازات های اصلی به عنوان یکی از اقسام مجازات های اصلی

مجازات اصلی، مجازاتی است که به طور خاص و مشخص در قانون، برای هر جرم مشخص شده است؛ مجازات تکمیلی با تشخیص قاضی و برای تکمیل مجازات اصلی تعیین می شود و مجازات های تبعی، به صورت خود به خود و به تبع مجازات اصلی به مجرم تحمیل می گردد. مجازات یا کیفر، به معنای جزای کار و سزای عمل است. باید توجه داشت مجازات های اصلی از این جهت اصلی می باشند که ضمانت های اجرایی امر و نهی قانونگذار به شمار می آیند و تابع مجازات دیگری نیستند. اگر قانونگذار مجازات واحدی برای فعل یا افعال خاص در نظر گرفته باشد دادرس ناگزیر از صدور حکم محکومیت به آن خواهد بود و باید میزان آن را در دادنامه قید کند.^۱ در این بخش مجازات های اصلی طبق قانون جدید مجازات اسلامی بررسی خواهد شد. تغییراتی که قانون جدید نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۰ داشته بخش بندی مجازات ها به چهار دسته است. در قانون جدید مجازات های مقرر برای اشخاص حقیقی به چهار بخش: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تقسیم شده اند و مجازات های بازدارنده که در کنار تعزیرات، دسته ای از مجازات ها را تشکیل می دادند، در قانون جدید به طور کلی از شمار مجازات ها خارج شده است. دلیل حذف مجازات های بازدارنده از شمار مجازات های مقرر در قانون این است که خود مفهوم تعزیرات به گونه ای گسترده است که همه موارد را دربرمی گیرد و نیازی نیست که مجازات ها به پنج دسته، حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات بازدارنده تقسیم شوند و همان عنوان تعزیر، مجازات های بازدارنده را نیز در برمی گیرد. تفکیک مفهوم مجازات های بازدارنده از مجازات های تعزیری گاهی اوقات موجب بروز مشکلاتی می شد از جمله این موارد می توان به مواد ۱۷۳ قانون آئین داری کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره کرد، طبق ماده مذکور: «در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده و یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه، تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد.»

همان‌گونه که در این ماده ملاحظه می‌شود، حوزه مقررات مربوط به مرور زمان، محدود به مجازات‌های بازدارنده است و شامل مجازات‌های تعزیری نمی‌شود. در این جا اختلاف نظر به وجود می‌آید که مجازات کدام یک از جرایم تعزیری و کدام یک بازدارنده است این موضوع باعث صدور آرای متعددی از سوی قضات می‌شد و به نوعی زمینه تشتت آرای دادگاه را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال برخی اوقات احکامی صادر می‌شد که مجازات‌های بازدارنده را مورد حکم قرار می‌دادند در حالی که بسیاری از این جرایم منشاء فقهی دارند و هیچ کس به طور دقیق نمی‌توانست تشخیص دهد که مجازات بازدارنده چیست، تفکیک قانونی بین این دو نوع مجازات (تعزیری و بازدارنده) نشده بود. در قانون جدید مجازات اسلامی، مرور زمان برای جرایم تعزیری نیز در نظر گرفته شده است که این موضوع در ماده ۱۰۴ قانون مذکور با ظرافت خاصی بیان شده است که مقرر می‌دارد: «مرور زمان در صورتی که تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زیر تعقیب نشده باشد یا از تاریخ آخرین اقدام تحقیقی یا تعقیبی تا انقضای این مواعد به صدور حکم منتهی نگردیده باشد...» لذا دیگر وجود مجازات‌های بازدارنده در عداد مجازات‌های قانونی فاقد جاهت عقلانی و حقوقی به نظر می‌رسد، بنابراین حذف مجازات‌های بازدارنده در کنار پیش‌بینی مرور زمان برای جرایم از نوآوری‌های قانون جدید به شمار می‌آید. از دیگر نکات مثبت در تقسیم‌بندی مجازات‌ها به چهار دسته این است که، تعریف مجازات‌های ذکر شده در قانون جدید دقیق‌تر و شفاف‌تر بیان شده است. مجازات‌ها طبق قانون جدید مجازات اسلامی به شرح بندهای زیر است.

بند اول: حدود

مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۵ قانون جدید، حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است. این ماده با ماده ۱۳ قانون مجازات ۱۳۷۰ متفاوت است. یک تفاوت اضافه شدن کلمه «موجب» می‌باشد. موجب یعنی سبب به

وجود آمدن آن در شرع مقدس معین شده باشد. مانند قذف که موجب هشتاد ضربه شلاق حدی است.

بند دوم: قصاص

مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۶ قانون جدید، قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می شود. بنابراین ملاحظه می شود که تعریف قصاص در قانون جدید دقیق تر بیان شده است. در ماده ۱۶ بر خلاف قانون سابق مشخص شده است که قصاص، مجازات چه جرمی است.^۱ حکم قصاص مستند به آیه «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» می باشد که غیر قابل خدشه است.

بند سوم: دیات

طبق تعریف مندرج در ماده ۱۷ قانون جدید دیه، اعم از مقدر و غیر مقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می شود. نکته قابل توجه در تعریف دیه در قانون جدید این است که دیه اعم از مقدر و غیر مقدر در نظر گرفته شده است و در مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ قانون جدید آمده است. بنابراین ارش، دیه غیر مقدر دانسته شده است که از جمع بین این دو ماده می توان نتیجه گرفت که در قانون جدید، احکام دیه قابل تسری به ارش نیز است. از نظر برخی دانشمندان اهل سنت، مقصود از دیه همان دیه کامل است و دیه کمتر از دیه کامل را ارش نامیده اند^۲ که اگر مقدار آن مشخص باشد ارش مقدر و اگر مشخص نباشد ارش غیر مقدر یا حکومت نام دارد که تعیین آن بر عهده قاضی می باشد.^۳

بند چهارم: تعزیرات

مطابق تعریف مندرج در ماده ۱۸ قانون جدید، تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف،

^۱. زراعت، شرح مختصر قانون مجازات، ص ۷۷

^۲. گرجی، دیات، صفحه ۱۱۱

^۳. زراعت، شرح مختصر قانون مجازات، ص ۷۷

تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. از نکات قابل توجه در این ماده این است که قانونگذار با آوردن قید «به موجب قانون» آن هم دو بار به «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» در تعزیرات تأکید نموده است و همچنین با کمی تأمل می‌توان به وجود اصل دیگری نیز در این ماده پی برد و آن «لزوم رعایت اصل فردی کردن کیفر» در مجازات‌های تعزیری است. تعزیر در قانون سابق مجازاتی بود که حاکم، آن را تعیین می‌کرد و معلوم نبود که منظور از حاکم، حکومت «قوه مقننه» است یا حاکم دادگاه می‌باشد. قانون جدید این ابهام را برطرف نموده است و تعیین مجازات را در صلاحیت انحصاری قانونگذار قرار داده است و حاکم دادگاه در محدوده‌ای که قانون تعیین کرده است تصمیم می‌گیرد. البته دادگاه نیز در راستای اصل فردی کردن مجازات اختیاراتی در چارچوب قانون دارد. همچنین قانون سابق در معرض مغایرت با اصل قانونی بودن مجازات‌ها بود در آن قانون مجازات‌ها به صورت تمثیلی بیان شده بود. اما در قانون جدید، مجازات‌ها احصاء شده و باید در قانون پیش‌بینی شده باشد.

بخش دوم: بررسی و شناسایی تعلیق اجرای مجازات به عنوان یکی از عوامل مخفیه برای مجرم

یکی دیگر از دیدگاه‌های ارفاقی قانون مجازات اسلامی تعلیق اجرای مجازات است که نسبت به معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، مجازات‌های تعزیری از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق تعزیری غیر منصوص شرعی را دربرمی‌گیرد مشروط بر این که از درجه ۳ تا درجه ۸ باشد.^۱ نهاد تعلیق اجرای مجازات در قانون سابق نیز پذیرفته شده بود. جلوگیری از تحمل عواقب زیان‌بار مجازات زندانی از ناحیه مرتکب و خانواده او، بهره‌مندی جامعه از نیروی کار مجرم، فرصت دادن به مجرم جهت انطباق رفتار خود با هنجارهای جامعه و نهایتاً رعایت اصل تفرید مجازات‌ها و گاهی توسل به انصاف در اجرای امور کیفری، همگی توجیه‌هایی است که برای توسل به نهاد بسیار قدیمی تعلیق اجرای مجازات بیان شده است. در قانون جدید به موجب ماده مواد ۴۶ تا ۵۵ این تأسیس حقوقی در مجازات‌های تعزیری بیان شده است.^۲

^۱. نظریه شماره ۷/۹۱۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۰ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه

^۲. مصدق، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی، ص ۱۴۵

شرایط لازم برای صدور قرار تعلیق مجازات همان شرایطی است که در تعویق صدور حکم بیان شد از جمله، وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب... با وجود این شرایط، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات به مدت یک تا پنج سال معلق می‌شود. تعلیق اجرای مجازات از اختیارات قاضی دادگاه است که هنگام صدور حکم پس از احراز مجرمیت و صدور حکم محکومیت، دادگاه اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را معلق می‌نماید. در قانون مجازات ۱۳۷۰ حداقل مدت تعلیق مجازات دو سال بود که در این قانون به نفع محکومین به یک سال تقلیل یافته است. پس از اجرای حکم در قانون ۱۳۷۰ امکانی برای استفاده از تعلیق مجازات وجود نداشت و صرفاً هنگام صدور حکم محکومیت و قبل از اجرای مجازات ممکن بود از تعلیق مجازات استفاده شود. اما در قانون جدید پیش‌بینی شده پس از اجرای یک سوم مجازات دادستان یا قاضی اجرای احکام رأساً یا به تقاضای محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی تعلیق اجرای باقی مانده مجازات، که دو سوم است را بخواهند.^۱ نهاد تعلیق اجرای مجازات در نظام کیفری ایران در صورتی جزء برنامه‌های جایگزین حبس - نه به عنوان جایگزین واقعی و کیفر مستقل بلکه جایگزین در معنای موسع آن - به حساب می‌آید که همراه با تدابیر نظارتی باشد. چون در غیر این صورت، فلسفه چنین نهادی (بازسازی مجرم و اصلاح او) که از اهداف تدابیر جایگزین حبس می‌باشد، زیر سوال خواهد رفت.^۲

بند اول: قلمرو تعلیق اجرای مجازات

وفق مقررات ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده به استثنای محکومیت‌های ممنوع‌التعلیق در قلمرو تعلیق اجرای مجازات قرار گرفته و دادگاه‌هایی که صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را دارند، در صورتی که بر اساس ضوابط قانونی محکومیت تعزیری و یا بازدارنده را مورد حکم قرار دهند، صالح برای اصدار چنین قراری می‌باشند. الف - قلمرو تعلیق در مجازات‌های اصلی

^۱ عدالتخواه، مسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد اول، ص ۱۲۶

^۲ حاجی تبارفیروزجائی، مجله حقوقی دادگستری، جایگاه حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و

محکومیت های تعزیری و بازدارنده اصلی قابل تعلیق در مقررات مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است که اهم آن عبارتند از:

۱- محکومیت به حبس

محکومیت به حبس یکی از انواع محکومیت های تعزیری و بازدارنده بوده و میزان حبس تاثیری در اجرای تعلیق نداشته و با توجه به ضوابط قانونی، مجازات حبس به هر میزانی که باشد، قابل تعلیق می باشد. حال ممکن است این سوال مطرح شود که آیا دادگاه می تواند ضمن صدور حکم علاوه بر این که محکوم علیه را مثلاً به یکسال حبس قطعی محکوم می کند، او را نیز به چهار سال حبس تعلیقی محکوم نماید یا خیر؟ بدیهی است که پاسخ این سوال منفی است و دادگاه در صورت احراز شرایط تعلیق، می تواند مجازات پنج سال حبس را کلاً تعلیق نماید و نه قسمتی از آن را. بنابراین تعیین حبس منجز و معلق برای یک عمل مجرمانه، مخالف نص صریح قانون است. به نظر می رسد که قانونگذار به نحو شایسته ای منظور اجرای تعلیق مجازات را مورد توجه قرار داده و اختیار قضات جهت اعمال تعلیق را گسترش داده تا مطول بودن مدت حبس مانعی جهت اعمال تعلیق در مواردی که واقعا مناسب تشخیص دهند، نشود، زیرا که ارتکاب جرائمی که دارای مجازات حبس طویل المدت است در همه موارد حاکی از خطرناکی مجرم نیست، بلکه ارتکاب یک جرم غیر مهمه نیز ممکن است دلالت بر حالتی از مجرم باشد که احتمال بازپروری و اصلاح او را ضعیف نشان دهد. بدین ترتیب اعمال تعلیق نسبت به مجازات حبس طویل المدت گام مثبتی است که قانونگذار اسلامی در جهت تامین اهداف تعلیق اجرای مجازات برداشته است.

۲- محکومیت به شلاق

مجازات شلاق نوع دیگری از محکومیت های تعزیری است که با تغییر و تحول قوانین بر اساس مقررات و ضوابط اسلامی به قوانین جزایی ایران راه یافته و وفق مقررات ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی قابل تعلیق است. شمول تعلیق بر مجازات شلاق را می توان در راستای عنایت تعلیق اجرای مجازات قلمداد نمود و آن را با اوضاع و احوال مجرم تطبیق داد و بی جهت نباید تا آنجا که می توان مجرم را در قلمرو حمایتی تعلیق قرار داد، اقدام به اجرای چنین مجازاتی

نمود، چرا که به هر ترتیب مجازات شلاق مجازاتی است که بر جسم شخص مرتکب جرم وارد شده و بالمال تاثیرات و عواقب سویی بر روان او وارد خواهد ساخت.

۳- محکومیت به جزای نقدی

جزای نقدی نیز یکی دیگر از انواع محکومیت های تعزیری و بازدارنده است. قانونگذار سال ۱۳۶۱ در ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی محدودیتی از نظر محکومیت به جزای نقدی قائل شده بود. بدین نحو که اگر کسی محکوم به پرداخت غرامت می شد و دادگاه احراز می کرد که محکوم علیه قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از غرامت نیست، قرار تعلیق اجرای مجازات صادر نمی گردید. این محدودیت در قانون مجازات اسلامی جدید مرتفع و منبسط کلیه محکومیت های به جزای نقدی مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات قرار خواهند گرفت و بدین ترتیب جنبه اصلاحی تعلیق و عواقب احتمالی اجرای جزای نقدی سبب توسعه تعلیق بر جزای نقدی شده و می بایستی شخص محکوم را با اعمال تعلیق در این راستا حمایت نمود. با وجود این، در یک مورد قانونگذار قائل به تبعیض تعلیق در محکومیت های متعدد حاصله از یک جرم شده و آن وفق مقررات ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی است: «در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد، جزای نقدی قابل تعلیق نیست.» بدین ترتیب دادگاهها در هنگام برخورد با تعهد محکومیت به جزای نقدی با دیگر مجازاتهای تعزیری، فقط مجاز به تعلیق سایر مجازاتها از قبیل حبس و شلاق و غیره بوده و تعلیق اجرای محکومیت جزای نقدی در این خصوص به هیچ وجه امکان پذیر نیست.

ب- قلمرو تعلیق در مجازاتهای تکمیلی و تبعی و تتمیمی

اکثر مجازاتهای تکمیلی و تبعی نظیر تعطیل محل کسب، لغو پروانه و غیره و مجازاتهای تتمیمی از قبیل محرومیت از حقوق اجتماعی، اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نقطه یا نقاط معین به عنوان مجازات اصلی در مقررات ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده و با توجه به اینکه هدف از اعمال تعلیق بازپروری اجتماعی مجرم جهت تسهیل بازگشت مجدد او به زندگی اجتماعی است و اجرای این امر ممکن نیست مگر با حفظ موقعیت شغلی و اجتماعی شخص محکوم، فلذا هر زمان که دادگاه تشخیص دهد می تواند این قبیل محکومیت ها را در مدت معین معلق نماید. ولی اگر وضعیت شغلی و اجتماعی مجرم

خود عاملی جهت ارتکاب جرم باشد، در این صورت موردی جهت حفظ چنین موقعیتی باقی نمانده و تعلیق اجرای مجازات منطبق با مصلحت و عدالت نخواهد بود. از طرف دیگر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به دادرس دادگاه اختیار داده شده که در صورت اقتضاء کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده، به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع و یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. بنابراین قاضی می تواند از این اختیار در مواقع مناسب و مقتضی بهره جسته و مجازات متمیمی را که در واقع همان مجازات تکمیلی است برای مجرمی که تعلیق اجرای مجازات نسبت به او مناسب تشخیص داده نشود، مورد حکم قرار نداده و بدین ترتیب عدم تسری قاعده تعلیق اجرای مجازات به مجازاتهای تکمیلی و تبعی و متمیمی در قانون عملاً مشکل آفرین نخواهد بود.

ج- جرائم ممنوع التعلیق

با اینکه قانونگذار بطور مطلق، تعلیق در محکومیت های تعزیری و بازدارنده را جایز ندانسته مگر در مواردی که شروعا و قانونا تعیین شده باشد، معهذا از این حد نیز فراتر رفته و به دلیل طبیعت ناخوشایند برخی از جرائم تعزیری و یا بازدارنده و اهمیت آنها در روند زندگی اقتصادی و خطرات حاصله برای جامعه، اجرای احکام جزایی زیر را قابل تعلیق نمی داند:

۱- مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند.

۲- مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند.

۳- مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت می نمایند. علاوه بر این موارد، قانونگذار در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی اضافه می کند که: «مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم می شوند، قابل اجرا نیست.» به نظر می رسد که در مورد اعمال مقررات این ماده همانند ممنوع التعلیق بودن تعدادی از جرائم و محکومیت ها، مقنن فرض غیر متناسب بودن تعلیق را مصادره به مطلوب نموده و مرتکبین این قبیل جرائم را قابل بازپروری جهت بازگشت سریع به جامعه ندانسته و

لطمه شدیدی که این گونه جرائم به اجتماع وارد می سازند، موثر در اعمال نظر قانونگذاری قرار گرفته است.

بند دوم: آثار تعلیق مراقبتی مجازات

آثار تعلیق عبارت از معلق ساختن اجرای مجازات محکوم، به ارتکاب اعمال نقض کننده تعلیق و به اجرا در آمدن تمهیدات دادگاه و اقدامات حمایتی است. تصمیم دادگاه مبنی بر تعلیق مجازات که ضمن محکومیت مجرم اعلام می گردد، متضمن اثرات زیر است:

الف- تعلیق اجرای مجازات

منظور از تعلیق اجرای مجازات، تاثیر تعلیق بر محکومیت های تعزیری و بازدارنده مورد حکم و اقدامات سریع دیگری است که در راستای مقررات تعلیقی می بایست به مورد اجرا گذارده شود.

۱- تاثیر تعلیق در مورد محکومیت به حبس

زمانی که تعلیق اجرای مجازات مناسب تشخیص و قرار تعلیق صادر می شود، مجازات حبس دیگر به مورد اجرا گذارده نمی شود و در صورتی که محکوم در توقیف باشد وفق مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی فوراً آزاد می شود. هر چند که حکم مورد تعلیق قطعی نشده باشد: «قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماماً معلق شده اگر بازداشت باشد، به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد.»

۲- تاثیر تعلیق در مورد محکومیت به جزای نقدی و شلاق

از زمان صدور قرار تعلیق، جزای نقدی از محکوم علیه دریافت نمی شود و به مانند تعلیق محکومیت به حبس، در صورتی که محکوم به جزای نقدی در توقیف تأمین باشد، مطابق مقررات ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی، به دستور دادگاه فوراً آزاد می شود. همچنین است مجازات تعزیری شلاق که با صدور قرار تعلیق بر محکوم علیه، اعمال نخواهد شد. حال اگر در جرائمی که مقنن مجازات حبس و جزای نقدی را توأماً مقرر کرده، دادگاه با در نظر گرفتن وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، مجازات حبس را به جزای نقدی تبدیل نماید، آیا می تواند جزای نقدی اخیرالذکر را

نیز معلق نماید یا خیر؟ با توجه به این که در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست و بقیه مجازاتها قابل تعلیق خواهند بود. بنابراین چون مجازات عمل ارتكابی قانونا حبس توام با جزای نقدی بوده و دادگاه کیفر حبس را که ماهیتا قابل تعلیق بوده به جزای نقدی تبدیل کرده است، لذا مجازات عمل ارتكابی فقط جزای نقدی است که آنهم قابل تعلیق می باشد.

۳- تعلیق و خسارت مدعی خصوصی

مجازات را که دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت تعیین نموده، در صورت تصمیم به تعلیق آن تحت شرایطی اجرا می گردد، ولی تأثیری در حقوق مدعیان خصوصی از حیث ضرر و زیان نخواهد داشت و حکم پرداخت خسارت، در وجه مدعی خصوصی اجرا خواهد شد. این همان نکته ای است که در ماده ۳۱ قانون مجازات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و می گوید: «تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است، تأثیری در حق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد با پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجرا خواهد شد.» تصریح قانونگذار به این جهت است که حقوق افراد جامعه که استحقاق دریافت آن را دارند، محفوظ بماند ولی نباید از نظر دور داشت که اجرای حکم پرداخت خسارت گاهی نتایجی به بار می آورد که منافات با هدف تعلیق اجرای مجازات دارد. مثلاً در ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده: «در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مالی یا ادای قیمت با پرداخت

دیه و ضرر ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجراء یا ناستیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.» هر چند که در این ماده، نگهداری محکوم له در زندان به علت عدم تادیه محکوم به در اختیار دادگاه قرار گرفته و دادرسی می تواند با استفاده از این اختیار، تا حدودی نتایج حاصله از نگهداری محکوم در زندان را مرتفع سازد، ولی باید اذعان نمود که اجرای حکم ضرر و زیان و خسارات مدعی خصوصی با تعلیق اجرای مجازات سازگاری نداشته و مانعی در راه بازپروری محکوم علیه است. بر همین اساس شایسته است که مقررات تعلیق را نیز بر ضرر و زیان مدعی خصوصی تعمیم داد تا در مواقع

مناسب و مقتضی، تعلیق اجرای مجازات مشمول ضرر و زیان مدعی خصوصی شد. بدیهی است به منظور جلوگیری از تضییع حق مدعی خصوصی می توان به نحوی منجمله از بیت المال جبران چنین ضرر و زیانی را نمود، همچنانکه در مورد پرداخت دیه در زمانی که محکوم علیه و یا عاقله و یا الاقرب فالاقرب قادر به پرداخت آن نباشند، چنین مقرراتی در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است.

بخش سوم: اقدامات لازم در راستای اعمال تعلیق محکومیت

در این خصوص اقداماتی در ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی و مقرر شده: «هر گاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده، مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود. برای کلیه محکومین به مجازاتهای معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف مرجع قضایی مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیتدار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات القاء گردد، باید مراتب فوراً برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیتدار مربوط اعلام شود. حال اگر محکوم علیه پس از تعلیق اجرای مجازات و در مدتی که از طرف دادگاه معین شده، مرتکب جرم جدیدی شود، تکلیف چیست؟ تکلیف قضیه از طرف مقنن مشخص شده و در ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده: «اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده، در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است، بشود به محض قطعی شدن، دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجرا گردد.»

تکالیف خاص نسبت به محکوم علیه ای که مجازاتش تعلیق شده در مقررات ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده که بر اساس اوضاع و احوال خاص محکوم علیه و پس از

شناخت دقیق شخصیت وی و عواملی که در ارتکاب بزه نقش داشته، توسط دادگاه مقرر می شود. این تکالیف عبارتند از:

- ۱- مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود.
 - ۲- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین.
 - ۳- اشتغال به تحصیل در یک موسسه فرهنگی.
 - ۴- خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد.
 - ۵- خودداری از رفت و آمد به محل‌های معین.
 - ۶- معرفی خود در مدت‌های معین به شخص یا مقامی که دادگاه تعیین می کند.
- مسلم است که دادگاه می بایست در هنگام صدور این تکالیف به نحوی اقدام کند که نه تنها اجرای این تکالیف آثار منفی از خود بجای نگذارد، بلکه در دوران تعلیق نیز قابل کنترل و مراقبت باشد. اعمال مراقبت نسبت به محکوم علیه در ماده ۶۳ آئین نامه امور زندانها مصوب ۱۳۶۱/۲/۷ شورای عالی قضایی سابق پیش بینی و آمده است: اداره مددکاری اجتماعی و حمایت زندانیان موظف است از طریق مددیاران اجتماعی بر رفتار مجرمینی که از آزادی مشروط و یا تعلیق اجرای مجازات استفاده می نمایند، نظارت و مراقبت داشته و با جلب همکاری انجمن های حمایت زندانیان از طریق اداره موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی وسایل اشتغال و اسکان آنان و زندانیان آزاد شده را در مراکز مراقبت بعد از خروج فراهم آورند. امید است با اجرای دقیق این ماده مبنی بر حمایت مادی یا معنوی از محکوم علیه ای که مجازاتش تعلیق یافته، بتوان نتایج درخانی از تعلیق اجرای مجازات به دست آورد.

بخش چهارم: بررسی و شناسایی خاتمه تعلیق

دوران تعلیق اجرای مجازات در دو حالت خاتمه می یابد.

بند دوم: انقضای مدت تعلیق

طبق مقررات ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو میشود.»

خاتمه تعلیق نیازی به اعلام دادگاه نداشته و تعلیق خود به خود پس از سپری شدن مدت و عدم ارتکاب جرائمی که احصاء شده، منتفی می گردد و بالنتیجه کلیه مراقبت ها و تمهیدات دادگاه قطع می شود. با منتفی شدن از طریق سپری شدن مدت محکوم به حالتی باز می گردد که قبل از ارتکاب جرم داشته و در آینده می تواند از مقررات تعلیق در مواقع مناسب بهره مند شود.

بند دوم: فسخ تعلیق

در دو مورد از اشتباهات احتمالی در اعطای تعلیق، فسخ آن تجویز شده است: اول- در ماده ۳۴ قانون مجازات اسلامی آمده است: هر گاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرائم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است، مقام قضایی به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغو مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه، قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد.

دوم- هم چنین است اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد، مقام قضایی مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد و دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود.

بخش پنجم: نگاهی به شرایط فسخ تعلیق

بالاخره اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده، مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است، بشود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغاء آن را اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجرا گردد. «ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی». بدین ترتیب نتیجه گرفته می شود که حکم تعلیق قابل فسخ نیست مگر اینکه: اولاً- محکوم علیه مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است، شود.

ثانیا- در صورتی که محکوم علیه در مدت تعلیق مرتکب جرمی شود که به قطعیت نرسیده باشد، فقط مجازات جرم ارتكابی اخيرالذکر به مورد اجرا گذارده شده و مجازات قبلی او تعلیق نخواهد یافت.

ثالثا فسخ تعلیق باید توسط دادگاه صادر کننده حکم تعلیق و یا دادگاه جانشین صورت گیرد. در غیر این حالت، فسخ تعلیق فاقد اثر خواهد بود.

پس از احراز شرایط فوق، تعلیق فسخ شده و بلافاصله مراتب برای ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیتدار مربوط اعلام و مجازات سابق و لاحق هر دو به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر فهمیدیم هدف از اعمال و تقنین تعلیق اجرای مجازات، به نوعی فرصت دادن به متهم است تا حتی با وجود سوء پیشینه بتواند به حالت اولیه و عادی زندگی و اجتماع بازگردد. امروزه در اثر تحولاتی که در نظام های حقوقی پدیدار گردیده، فلسفه مجازات و مبانی آن نیز دستخوش تغییرات و تحولاتی گشته است. حوزه حقوق کیفری در طول قانونگذاری ایران بر خلاف حوزه های دیگر حقوق دستخوش تغییرات فراوانی شده است که آخرین تحول آن را می توان تصویب قانون مجازات اسلامی دانست. قانون جدید، بسیار متریقی تر از قانون قبلی است. در قالب اصلاحات انجام شده نوآوری در قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون سابق نه تنها افزایش پیدا کرده بلکه خلاءهای قانونی در این زمینه نیز برطرف شده است. تغییرات در قانون جدید اصلاحی و مصداقی است نه مبنایی، در واقع تغییرات انجام شده به معنای تحول کلی قانون مجازات نیست بلکه سعی شده ضعفها و اشکالات قانون قبلی پوشش داده شود برای همین اغلب احکام قانون قبلی با کمترین تغییرات محتوایی (نه شکلی) در قانون جدید هم وجود دارد. مراحل و نحوه تعلیق اجرای مجازات در زمان اجرای حکم، به این صورت است که خود فرد یا قاضی یا دادستان اجرای احکام، پس از تحمل یک سوم مجازات توسط مجرم، می توانند مطابق ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی درخواست تعلیق اجرای

حکم را به دادگاه ارائه دهند. این درخواست می بایست به دادگاه صادرکننده حکم قطعی فرستاده شود. در جرائم تعذیری درجه سه تا هشت، خود دادگاه می تواند در حین صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید و نیازی به تحمل یک سوم مجازات نیست. بنابر ماده ۶ آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات مصوب سال ۹۸، پس از صدور قرار تعویق صدور حکم یا قرار تعلیق اجرای مجازات و تعیین مدت آن توسط دادگاه، قاضی، مرتکب را احضار و دستور و چگونگی اجرا را به وی تفهیم می کند. سپس، بنابر ماده ۷ آیین نامه، قرار تعلیق و تعویق اجرای مجازات در سامانه مربوط ثبت می شود. قاضی اجرا مکلف است پس از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، مراتب را از طریق سامانه به اداره سجل کیفری نیز اعلام کند. همچنین باید توجه داشت طبق حکم ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، صدور حکم تعلیق ممکن است به دو شکل ساده یا مراقبتی رخ دهد. در حکم تعلیق ساده، مجرم تنها متعهد است که در مدت زمان تعلیق، مرتکب جرم دیگری نشود. مطابق ماده ۶ آیین نامه اجرای تعلیق مجازات، در تعلیق مراقبتی، فرد موظف است که علاوه احتراز از ارتکاب جرم، الزامات و تدابیر تعیین شده توسط دادگاه را نیز رعایت نماید. مطابق ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی تدابیر مراقبتی به شرح زیر است:

- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر
- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور

همچنین براساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، در تعلیق مراقبتی، دادگاه صادر کننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی

او موارد دیگری مانند، حرفه آموزی، درمان بیماری یا اعتیاد و... را از مرتکب تقاضا نماید. در پایان باید توجه داشت هرگاه فردی بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید.

منابع و مآخذ

قرآن و بعد....

الف - منابع فارسی

- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، انتشارات گرایش، چاپ اول، سال ۱۳۸۲
- اکبری بوانی، عباس، لزوم حبس‌زدایی با نگاهی به آثار و تبعات زیان بار حبس بر زندانیان و جامعه، پایگاه حقوقی حق گستر، سال ۱۳۹۱
- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۸۸، ۱۳.
- جلالی، محمدرضا، قسامه در اعضاء، اثبات کننده قصاص یا دیه پیام آموزش نشریه تخصصی آموزشی و حقوقی سال نهم بهمن و اسفند ۱۳۹۰، شماره ۵۴
- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۰
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، سال ۱۳۸۷
- حسنی، محمد و محمدرضا فقهی، پرسمان فقهی - قضایی، پاسخ‌های تحقیقی به پرسش‌های کیفری محاکم نشر قضا، نسخه اول، سال ۱۳۹۱
- خالقی، علی، شلاق تعزیری، آئین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۹
- داورزنی، حسین، قسامه، مقالات و بررسی‌ها دفتر ۷۶ فقه، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۳
- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده شناسی حمایتی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۴
- سماواتی پیروز، امیر، عدالت ترمیمی، تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، انتشارات نگاه بینه، چاپ اول، سال ۱۳۸۵
- شیروانی، علی، شرح اللمعه شهید ثانی حدود، جلد سیزدهم، انتشارات دارالعلم، چاپ یازدهم، سال ۱۳۹۱

- عبدالحمید، عاطفه، طفولیت در پرتو قانون مجازات جدید، روزنامه حمایت، بهمن ۱۳۹۲
- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جلد نخست، انتشارات معجد، چاپ اول، سال ۱۳۹۳
- عرفانیان، مسعود، بررسی مجازات‌های تبعی در قانون جدید، روزنامه حمایت، سال ۱۳۹۲
- فرج‌اللهی، رضا، شخصی کردن قضایی مجازات، ماهنامه دادرسی، شماره ۸۰، سال ۱۳۸۹
- مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۶
- ملک اسماعیلی، عزیزالله، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۵
- مهرنیا، اصغر و ابوالقاسم فلاحی، تحولات جنون و مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فصلنامه تعالی حقوق دوره جدید، شماره ۳ سال ۱۳۹۲
- نیازپور، امیر حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، سال ۱۳۹۰
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، بایسته‌های فقه جزا، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۸

ب- منابع عربی

- الانصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقهيہ المسيره، قم، مجمع الکفر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰
- التبریزی، میرزا جواد، صراط النجاه، قم دفتر نشر برگزیده، جلد ۱، ۱۴۱۶
- الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بی‌تا، جلد ۵
- الصافی، لطف‌الله، التعزیر، قم مؤسسه نشر اسلامی، سال ۱۳۶۳

- الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت دارالمعرفہ، الطبعہ الثانیہ، ۱۴۰۸
- الطوسی، محمد بن الحسن (شیخ)، المبسوط، بی جا، چاپ حیدری، جلد ۸، ۱۳۵۱
- العالمی، محمد بن مکی (شہید الاول) القواعد و الفوائد، قم مکتبہ المفید، بی تا،
- محمد جعفر، علی، فلسفہ العقوبات فی القانون و الشرع الاسلامی، بیروت المؤسسہ الجامعیہ، الطبعہ الاولی، ۱۹۹۷
- مکی العاملی، شیخ ابی عبد اللہ شمس الدین محمد بن جمال الدین (شہید اول)، لمعہ و دمشقیہ ترجمہ علی شیروانی، جلد اول چاپ ہشتم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۷
- الموسوی الاردبیلی، سید عبد لکریم، فقہ الحدود و التعزیرات، قم مکتبہ امیر المؤمنین، الطبعہ الاولی، ۱۴۱۳